



دانشگاه بلوچستان  
تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ گرایش ایران دوره اسلامی

عنوان:

# بررسی تاثیر تفکر دیوبندی بر اوضاع اجتماعی و فکری بلوچستان

استاد راهنما:

دکتر محمد پیری

استاد مشاور:

دکتر عظیم شه بخش

تحقیق و نگارش:

عبدالغفور دورانی

این پایان نامه از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان بهره مند شده است

بهمن ۱۳۹۰

## بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان بررسی تاثیر تفکر دیوبندی بر اوضاع اجتماعی و فکری بلوچستان قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد تاریخ توسط دانشجو عبدالغفور دورانی با راهنمایی استاد پایان نامه دکتر محمد پیری تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

عبدالغفور دورانی

این پایان نامه ..... واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ ..... توسط هیئت داوران بررسی و درجه ..... به آن تعلق گرفت.

نام و نام خانوادگی	امضاء	تاریخ
استاد راهنما:	دکتر محمد پیری	
استاد راهنما:		
استاد مشاور:	دکتر عظیم شه بخش	
داور ۱:	دکتر محمدرضا عسکرانی	
داور ۲:	دکتر محمدرضا فراهانی	
نماینده تحصیلات تکمیلی:	دکتر نورمحمد ناظریان	

## سپاسگزاری

سپاس از همه کسانی که به پیشرفت و تعالی می‌اندیشند و در راستای ترویج دانش و اندیشه گام برمی‌دارند. از جناب دکتر محمد پیری، در مقام استاد راهنما، سپاسگزارم که با دقت نظر و سعہ صدر ایشان، این تحقیق و پژوهش به سرانجام رسید. همچنین از جناب دکتر عظیم شهبخش که تشویق و راهنمایی‌های ایشان مایه دلگرمی بنده بود و نیز از اساتید گروه تاریخ آقایان دکتر عباسعلی آذرنیوشه، دکتر کورش صالحی، دکتر مسعود مرادی و دکتر محمدرضا فراهانی سپاسگزارم. همچنین از همکلاسی‌ام جناب حاج احمد الله‌بخش، و از دوستانم آقایان عبدالرئوف شهنواز، احمد حسن‌زهی، عبدالناصر راستای‌دیهمیم و پرسنل کتابخانه مرکزی دارالعلوم زاهدان متشکرم که از هیچگونه همکاری با بنده دریغ نورزیدند.



## تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب عبدالغفور دورانی تعهد می کنم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: عبدالغفور دورانی

امضاء

## چکیده:

استعمار انگلستان زندگی مسلمانان را در هندوستان دگرگون ساخت. آنها سلطنت را از دست دادند، فرهنگ و هویت دینی شان مورد تهدید قرار گرفت. و نیز انقلاب آنها در سال ۱۸۵۷م. میلادی شکست خورد. برخی از علما که در این انقلاب شرکت داشتند، اقدام به تاسیس مدرسه ای دینی در "دیوبند" در جنوبشرق دهلی به نام دارالعلوم کردند.

مدرسه دارالعلوم دیوبند، احیا و دفاع از هویت دینی مسلمانان را هدف خود قرار داد و رفته رفته با پیوستن طلابی از سراسر شبه قاره، افغانستان، ایران و آسیای میانه به جایگاهی ارزشمند در میان مسلمانان جنوب آسیا دست یافت. وابستگان فکری دارالعلوم دیوبند علاوه از ترویج دینداری، به مبارزات آزادی خواهانه در شبه قاره هند همراه با دیگر گروه ها، پیوستند.

برخی از جوانان بلوچ ایرانی در اوایل قرن بیستم میلادی در مدارس دیوبندی به تحصیل پرداختند. آنها پس از بازگشت تفکر دیوبند را به همراه خود به بلوچستان آوردند. این علمای دیوبندی فعالیت های خود را در جامعه ای آغاز کردند که مانند شبه قاره، اعتقاد عمومی آن اندیشه اهل سنت حنفی مذهب رایج بود. علمای دیوبندی بلوچ مرحله اول فعالیت های خود را تصحیح اعتقاد و از بین بردن خرافات و رسوم قرار دادند که زندگی مردم را تحت تاثیر قرار دادند. علمای دیوبندی در بلوچستان برخی مظاهر خرافات را چون درختها و پدیده های طبیعی را که مورد تقدیس قرار گرفته بودند، تخریب می کردند و مردم را نسبت به پوچ بودن این عقاید آگاه می کردند و نیز رسوم پس از مرگ به روش مناسب تری اصلاح گردید. قضاوت و حل و فصل اختلافات خانوادگی و منازعات قبیله ای یکی دیگر از فعالیت های علمای دینی در بلوچستان بود و چون براساس فقه و بی طرفی به این مسایل می پرداختند، مورد توجه و تایید مردم قرار گرفتند. در دهه ۱۳۲۰ش. مدارس و مکاتب دینی آنان بطور ثابت آغاز بکار کرد و رفته رفته در دهه های بعد به تعداد مدارس و مساجدی که بسیاری به این امر آموزش امور دینی می پرداختند، اضافه شد تا آنکه شاگردان تربیت یافته این تفکر در بیشتر آبادیهای بلوچستان به فعالیت پرداختند. بر اثر تلاشهای علمای دیوبندی در بلوچستان، بسیاری از عقاید و رسومات مورد پالایش و اصلاح قرار گرفت و نیز دینداری که از گذشته در بلوچستان رواج داشت، پررنگ تر شد و وابستگی مذهبی نیز از ویژگیهای مردم این منطقه قرار گرفت. بر این اساس هویت دینی، علاوه از هویت قومی به شاخصه های فرهنگی قابل توجه بلوچستان، در ایران دارای تنوع قومی و مذهبی اضافه شد.

واژگان کلیدی: دیوبندیان، بلوچستان، دارالعلوم دیوبند، هندوستان، استعمار.

## فهرست:

الف	کلیات تحقیق .....
الف	۱- مقدمه .....
الف	۲- بیان مسئله و پژوهش .....
ب	۳- پیشینه تحقیق و پایه های نظری .....
ب	۴- قلمرو و محدوده پژوهش .....
ب	۵- مشکلات و محدودیتهای پژوهش .....
ج	۶- روش کار در پژوهش .....
ج	۷- طرح کار .....
د	۸- بررسی منابع .....
۱	فصل اول: تاثیر استعمار بر اوضاع مسلمانان هندوستان .....
۱	۱- سیطره استعمار بر هندوستان .....
۱	۱-۲- سرانجام جامعه و سلطنت .....
۴	۱-۳- تبلیغ مسیحیت .....
۶	۱-۴- فرقه آریا سماج .....
۶	فصل دوم: انقلاب ۱۸۵۷ میلادی و تاسیس دارالعلوم دیوبند .....
۶	۱-۲- انقلاب ۱۸۵۷ میلادی و نقش علمای مسلمان .....
۹	۲-۲- تاریخچه آموزش و مدارس مسلمانان هند .....
۱۲	۲-۳- تاسیس دارالعلوم دیوبند .....
۱۵	۲-۴- پیشینه فکری دارالعلوم دیوبند .....
۱۶	۲-۴-۱- ابوالحسن اشعری .....
۱۸	۲-۴-۲- ابومنصور ماتریدی .....
۱۹	۲-۴-۳- شیخ احمد سرهندی .....

۲۰	..... ۴-۲-۴- عبدالحق دهلوی
۲۱	..... ۴-۲-۵- شاه ولی الله دهلوی
۲۴	..... فصل سوم: مبانی اندیشه دارالعلوم دیوبند
۲۴	..... ۳-۱- اهل سنت وجماعت
۲۶	..... ۳-۲- مذهب کلامی دیوبند
۲۸	..... ۳-۲-۱- گزیده ای از عقاید دیوبندیان
۳۰	..... ۳-۳- مذهب فقهی دیوبند
۳۲	..... ۳-۴- تصوف در میان دیوبندیان
۳۵	..... فصل چهارم: جنبش جماعت تبلیغ
۳۵	..... ۴-۱- تاسیس جماعت تبلیغ
۳۷	..... ۴-۲- روش فعالیت جماعت تبلیغ
۳۹	..... ۴-۳- منابع آموزش جماعت تبلیغ
۳۹	..... ۴-۴- گردهمایی های جماعت تبلیغ
۴۰	..... ۴-۵- جماعت تبلیغ در میان زنان
۴۰	..... ۴-۶- جماعت تبلیغ در جامعه مسلمانان
۴۳	..... فصل پنجم: مبارزات سیاسی دیوبندیان
۴۳	..... ۵-۱- همکاری با حزب کنگره
۴۴	..... ۵-۲- انجمن ثمره التربیت و جنبش دستمال ابریشمی
۴۶	..... ۵-۳- مقاومت منفی
۴۸	..... ۵-۴- جنبش خلافت
۵۰	..... ۵-۵- جمعیت علمای هند
۵۳	..... ۵-۵- جمعیت علمای اسلام
۵۶	..... فصل ششم: پیشینه دیانت و اجتماع در بلوچستان

۵۶	..... ۱-۶- دین در بلوچستان پیش از اسلام
۵۷	..... ۲-۶- فتح مکران توسط مسلمانان
۵۹	..... ۳-۶- اعتقادات و رسومات در بلوچستان
۵۹	..... ۱-۳-۶- دین و مذهب
۶۰	..... ۲-۳-۶- اعتقاد به پیر و پکیر
۶۱	..... ۳-۳-۶- زیارتگاهها
۶۲	..... ۴-۳-۶- نذر قاضی آدینه
۶۳	..... ۵-۳-۶- مرک و زند
۶۴	..... ۱-۵-۳-۶- رسم اسقاط
۶۵	..... ۲-۵-۳-۶- موتک یا مودگ
۶۵	..... ۶-۳-۶- گواتی
۶۵	..... ۷-۳-۶- نال و چلّ یا آزمون از طریق آب و آتش
۶۶	..... ۴-۶- ساختار اجتماعی و اقتصادی
۶۷	..... ۱-۴-۶- ملا و قاضی
۶۸	..... فصل هفتم: فرقه ذگری در بلوچستان
۶۸	..... ۱-۷- نام و علت نامگذاری
۶۸	..... ۲-۷- مؤسس فرقه ذگری
۶۸	..... ۳-۷- ادعای مهدویت سید محمد جونپوری
۷۱	..... ۴-۷- ذکریه در بلوچستان
۷۳	..... ۵-۷- کتب، پیشوا و عقاید ذکریه
۷۴	..... ۶-۷- ایمان و اعمال فرقه ذکریه
۷۷	..... فصل هشتم: فعالیت‌های فکری و اجتماعی دیوبندیان در بلوچستان
۷۷	..... ۱-۸- روابط با شاه ولی الله



۷۷	..... ۲-۸- حکومت کلات و دارالعلوم دیوبند
۷۸	..... ۳-۸- تبلیغ، اعتقاد و دیانت
۸۶	..... ۴-۸- مدارس دینی
۸۷	..... ۱-۴-۸- آموزش در بلوچستان
۸۷	..... ۲-۴-۸- تاسیس مکتبخانه ها و مدارس دینی
۹۰	..... ۵-۸- قضاوت
۹۳	..... ۶-۸- تصوف یا عرفان و تزکیه
۹۴	..... ۷-۸- مبارزه با فرقه ذکری
۹۷	..... ۸-۸- جماعت تبلیغ
۹۸	..... ۹-۸- نویسندگی، ترجمه و شعر
۹۹	..... نتیجه سخن
۱۰۱	..... منابع و ماخذ
۱۰۸	..... استاد و ضمایم

## کلیات تحقیق

### ۱- مقدمه

اندیشه‌ها، افکار و عقاید مردم یک منطقه، بخشی از تاریخ و هویت آن سرزمین است و منطقه بلوچستان نیز از این امر مستثنا نیست. نهضت بیداری دینی که از حدود یکصد سال پیش در بلوچستان آغاز گردیده، تحول عمیقی در اندیشه‌ها و افکار مردم بلوچ به وجود آورده است.

در این پژوهش به تأثیر تفکر دیوبندی بر اندیشه دینی مردم بلوچستان از زوایای مختلف پرداخته شده است. پس از بررسی چگونگی تأثیرگذاری مکتب فکری دارالعلوم دیوبند بر تفکرات دینی مردم مسلمان بلوچستان، شیوه ترویج این تفکر به وسیله علمای وابسته به این مرکز علوم اسلامی در امور آموزشی، دینی، قضایی، و تزکیه نفس، تجزیه و تحلیل گردیده و تلاش شده است به این سؤال پاسخ داده شود که علمای دانش‌آموخته در دارالعلوم دیوبند و مدارس وابسته به مکتب فکری دیوبند چه تأثیری بر باورها و اندیشه‌های مردم بلوچستان داشته‌اند.

### ۲- بیان مسئله و پژوهش

دوره استعمار در جهان اسلام و واکنش مسلمانان در مقابل این پدیده، از اهمیت بسزایی در تاریخ سرزمین‌های اسلامی برخوردار است. ظهور جنبش‌های دینی در راستای احیا و حفظ هویت دینی مسلمانان یکی از واکنش‌های مسلمانان در مواجهه با استعمار بوده است و شبه قاره هند و مناطق پیرامون آن در این زمینه جایگاه ممتازی داشته‌اند. در این نوشتار قصد بر این است که به بررسی شکل‌گیری دارالعلوم دیوبند در شبه قاره هند، و تأثیر آن در بلوچستان ایران پرداخته شود و به پرسش‌های ذیل در حد امکان پاسخ داده شود:

۱- چه عواملی باعث شکل‌گیری دارالعلوم دیوبند و تفکر دیوبندی در بین مسلمانان شبه قاره هند شده است؟

۲- خط‌مشی فکری دارالعلوم دیوبند و تأثیر آن بر مراکز دینی، علما و مردم بلوچستان چگونه بوده است؟

### ۳- پیشینه تحقیق و پایه های نظری موضوع

علی‌رغم این‌که تحولات سیاسی بلوچستان در دوره‌های مختلف مورد توجه نویسندگان و پژوهشگران قرار گرفته، لیکن سیر تفکر دینی مردم این سرزمین کمتر در معرض بازخوانی قرار گرفته است.

از جمله پایان‌نامه‌های گروه تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان که اطلاعاتی در اختیار پژوهنده تاریخ بلوچستان قرار می‌دهد، به‌طور نمونه می‌توان از پایان‌نامه‌های «نادریان‌فر، بلوچستان در دوره رضاشاه، ۱۳۸۴»، «ریگی‌درخشان، مدافعان سرحد، ۱۳۸۷»، «درازی، حکومت کلات، ۱۳۸۷» و «هونک‌زایی، جنبش خلافت در هندوستان و تأثیر آن در شرق ایران، ۱۳۸۹» نام برد.

### ۴- قلمرو و محدوده پژوهش

قلمرو مکانی این پژوهش در ابتدا شبه قاره هند در دوره استعمار و سپس بلوچستان در جنوب شرق ایران می‌باشد. محدوده زمانی آن نیز از تکمیل سیطره استعمار انگلستان (۱۸۵۷م) تا آزادی هند (۱۹۴۷م/۱۳۲۶ش) و نیز از اوایل دوره پهلوی اول تا پایان دوره پهلوی دوم (۱۳۰۰ - ۱۳۵۷ش) را شامل می‌شود.

### ۵- مشکلات و محدودیتهای پژوهش

از مشکلات عمده‌ای که بر سر راه این پژوهش قرار داشته است، یکی به‌دست آوردن منابع و نوشته‌های علمای دیوبندی میباشد که در شبه قاره هند تألیف و منتشر شده‌اند. و دیگری کمبود منابع مربوط به اندیشه دینی دیوبندیان به‌خصوص در بلوچستان ایران می‌باشد. همچنین قلمرو زمانی این نوشتار به علت تاریخی بودن محدود است و تأثیر این تفکر در دوره اخیر بیشتر مشهود است.

## ۶- روش کار در پژوهش

روش پژوهش حاضر تاریخی است که روند تحولات دینی هند و بلوچستان را در دوره مورد نظر توصیف تاریخی می‌نماید. تحلیل نتایج نیز به طور عمده بر پایه کتابها و اسناد و مدارک صورت گرفته و در مراجعه به منابع کتبی نیز اصالت و دست اول بودن آنها مورد توجه بوده است. به طور کلی پژوهش با مراجعه به کتابخانه‌ها، مراکز اسناد و اطلاعات، جمع‌آوری، فیش‌برداری، طبقه‌بندی، تنظیم و سپس داده‌های گردآوری شده به شکل منطقی تدوین گردیده است.

## ۷- طرح کار

این پژوهش به هشت فصل تقسیم شده است:

در فصل اول به تأثیرات اجتماعی و دینی استعمار انگلیس بر مسلمانان شبه قاره از جمله انحلال سلطنت، دشمنی با مسلمانان، تبلیغ مسیحیت و هندوئیسم در میان آنان پرداخته شده است.

در فصل دوم به انقلاب سال ۱۸۵۷م هند و نقش علمای مسلمان، تأسیس دارالعلوم دیوبند و تاریخچه آموزش در میان مسلمانان مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل سوم نیز به پیشینه و مبانی اندیشه دارالعلوم دیوبند و مباحثی چون عقاید، کلام، فقه، تصوف و عرفان پرداخته شده است.

در فصل چهارم به شکل‌گیری جماعت تبلیغ و فعالیت‌های آن به عنوان مهم‌ترین جنبش احیای دینداری دیوبندیان پرداخته شده است.

در فصل پنجم نیز به مبارزات سیاسی دیوبندیان از شکل‌گیری حزب کنگره تا آزادی هند و تقسیم آن به دو بخش مسلمان‌نشین و هندونشین اختصاص یافته است، از جمله جنبش دستمال ابریشمی، جنبش خلافت، نهضت عدم همکاری و احزاب علمای دیوبند یعنی جمعیت علمای هند و جمعیت علمای اسلام، توجه شده است.

در فصل ششم به پیشینه دیانت در بلوچستان پیش از اسلام، فتح مکران توسط مسلمانان و عقاید و رسومات مردم بلوچستان مورد بررسی قرار گرفته است که علمای دیوبندی در تغییر و اصلاح بعدی آن، نقش داشته‌اند.

در فصل هفتم به تاریخ و عقاید فرقه ذکری که در برخی مناطق جنوب بلوچستان نفوذ داشته‌اند، پرداخته شده است.

در فصل هشتم که آخرین و مهمترین بخش پژوهش می باشد، به سابقه روابط علمای دارالعلوم دیوبند با حکام بلوچ در شرق توجه شده است. می توان گفت که این روابط زمینه ظهور اندیشه دیوبندی در بلوچستان را به وجود آورد. در همین فصل به نحوه فعالیت‌های تبلیغی دیوبندی ها نیز پرداخته شده است.

## ۸- بررسی منابع

### الف: مسلمانان هند بریتانیا

این کتاب نوشته پیتر هاردی است و توسط مرکز مدیریت آسیای جنوبی دانشگاه کمبریج به چاپ رسیده و حسن لاهوتی آن را به فارسی ترجمه کرده است. در این کتاب به ابعاد مختلف سرگذشت مسلمانان تا پایان امپراتوری مغولان هند پرداخته شده و پس از آن مبارزات مسلمانان هند تا تشکیل دولت مستقل پاکستان بررسی شده است. این کتاب دارای نه بخش است: ۱- مقدمه میراث قرون وسطی، ۲- تأثیرات حکومت بریتانیا بر مسلمانان پیش از سال ۱۸۵۷، ۳- ۱۸۵۷ و عواقب آن، ۴- مسلمانان با حفظ پایگاه اسلامی خود با هند بریتانیا به توافق می‌رسند، ۵- حرکت مسلمانان به سوی ایجاد قومیت سیاسی ۱۸۷۱ تا ۱۹۰۱، ۶- مسلمانان به هويت قانونی خود دست می‌یابند و به جریان‌های سیاسی سراسر هند گام می‌نهند، ۷- ورود مذهب به امور سیاسی ۱۹۱۰-۱۹۲۴، ۸- دوره رکود ۱۹۲۴-۱۹۳۵، ۹- دوره تجزیه: هند بریتانیا و قوم مسلمان.

### ب: علماء دیوبند عقیده و منهجاً

این کتاب مجموعه ای از مقالات مولانا قاری محمدطیب قاسمی نوه مولانا محمدقاسم نانوتوی بنیان‌گذار دارالعلوم دیوبند است. وی از سال ۱۳۴۸ هـ.ق. تا سال ۱۴۰۲ هـ.ق. / ۱۹۳۰ تا ۱۹۸۲ م. ریاست دارالعلوم دیوبند را به عهده داشته است. مؤلف از تأثیرگذارترین علمای دیوبند بوده است که خط‌مشی دینی، فکری و سیاسی این مکتب را طرح و اجرا می کرده است.

کتاب مذکور ترجمه عربی کتاب اردو مولف با عنوان "علماء دیوبند کا دینی رخ اور مسلکی مزاج" است. مؤلف به تجزیه و تحلیل اندیشه علمای دیوبند در اصول و فروع، وابستگی آن از نظر فکری به مذهب اهل سنت و جماعت و مذاهب کلامی اشعری و ماتریدی می‌پردازد و سپس دیدگاه این علما را نسبت به فقه و محدثین، متکلمان و صوفیه و عرفا تشریح می‌کند.

و در بخش آخر هفت ویژگی را با عنوان "سبع سنایل" توضیح می‌دهد و آن را مخصوص مکتب فکری دیوبند می‌داند که این اصول عبارتند از: علم شریعت، ماتریدیت و موافقت با اشعری‌گری، تقلید از فقها، پیروی از طریقت و تصوف، قیام در مقابل انحرافات، جامعیت و جمع‌گرایی و اتباع سنت پیامبر.

### ج: احسن المقصود فی توحید المعبود

این کتاب تالیف مولانا سیدعبدالواحد سیدزاده از نخستین دانش‌آموختگان مدارس دیوبندیان می‌باشد. اولین چاپ این کتاب در شهر ملتان پاکستان توسط "هندوستانی کتب‌خانه" در سال ۱۳۶۴هـ.ق./۱۳۲۴هـ.ش. انجام گرفته است. مؤلف اساس کتابش را بر سؤال و جواب نهاده است و کلیه عقاید و آداب و رسوم را که مرتبط به عقیده مردم بلوچستان در آن دوره بوده است به صورت سؤال از علمای دینی که اصطلاحاً به آن استفتا می‌گویند، درآورده است و در نهایت خودش با ادله‌ای از قرآن، کتب حدیث و فقه به آن پاسخ داده است. و نیز برخی از علمای معروف دیوبندی آن دوره مانند مولانا مفتی کفایت‌الله دهلوی با نوشتن مقدمه‌ای آن را مورد تأیید قرار داده است. این کتاب شامل سه بخش و یک خاتمه است. بخش اول: در اثبات توحید و ردّ شرک (نواقص توحید)، بخش دوم: در ردّ بدعات و رسوم و فتاوی‌ای مربوط به آن و مسایل متفرق، بخش سوم: در بیان اتباع سنت، و خاتمه مشتمل بر مناجات و وصیت‌نامه است.

### د: زندگی، شخصیت و مبارزات مولانا عبدالله سربازی

این کتاب توسط عبدالباسط بزرگزاده و نورالنسا ملازاده نوشته شده است. کتاب مذکور در سه بخش به فعالیت‌های مولوی عبدالله ملازاده از نخستین علمای دیوبندی در بلوچستان و ناحیه سرباز پرداخته است. در ابتدای کتاب به اختصار موقعیت تاریخی و دینی بلوچستان مورد بررسی قرار گرفته است و سپس به تحصیلات و فعالیت‌های مولانا عبدالله در عرصه‌های مختلف از جمله سفرهای تبلیغی، قضاوت‌ها، مخالفت با رسوم غیر شرعی و خرافات، و نیز درگیری با فرقه ذکری پرداخته شده است. در پایان خصوصیات اخلاقی وی بیان شده و اسامی فرزندان ایشان ذکر شده است.

گرچه نویسندگان کتاب سعی کرده‌اند واقعیت‌های اجتماعی و فکری آن دوره بلوچستان و تأثیرگذاری مولانا عبدالله را بر تحولات فکری این منطقه را بیان کنند، لیکن گاهی دچار بزرگ‌نمایی این فعالیت‌ها شده‌اند. با این حال نویسندگان، خواننده را به نقش نخستین علمای دیوبندی و روابط آنها با حکام محلی و عموم مردم آشنا می‌سازند.

## فصل اول: تاثیر استعمار انگلیس بر اوضاع مسلمانان هند

### ۱-۱ - سیطره استعمار بر هند:

پس از استقرار کمپانی تجاری هند شرقی در کلکته، انگلستان تا سال ۱۸۵۷م تحت پوشش فعالیت‌های این کمپانی بر هند سیطره یافت و با گذشت زمان توانست سلطه استعماری‌اش را در سراسر هند گسترش دهد و کلیه مقاومت‌های محلی، شاهزادگان، مهراجه‌ها، نواب‌ها و مردم را سرکوب کرد. (هادی نجف آبادی، ۱۳۶۳: ۳)

این کمپانی توانست در سال ۱۱۷۹ هـ.ق. / ۱۷۶۵م. ایالت‌های بنگال، بیهار و اریسه، بنارس و غازی‌پور را تحت سلطه‌اش قرار دهد. انگلیسی‌ها در سال ۱۷۵۷م. سراج‌الدوله و در ۲۳ اکتوبر ۱۷۶۴م. برابر با ۱۲۱۴ هـ.ق. شجاع‌الدوله از حاکمان مسلمان هند را شکست دادند، و با این پیروزی‌ها بنابر گزارش نشریات انگلیسی آنها توانستند مسلمانان را به نهایت ضعف و ناتوانی برسانند و تحقیر کنند، طوری که اعلام کردند دیگر ترسی از مردم هند و حکومت خاندان تیموری ندارند. همچنین قدرت شاه‌عالم را به منطقه الله‌آباد محدود کردند. (ندوی، ۱۹۹۹: ۳۱۰)

نیز تیپو سلطان در ۴ می ۱۷۹۹ میلادی پس از مبارزه با استعمار انگلیس در سری‌رنگاپتن به شهادت رسید. (ندوی، ۱۹۹۷: ۳۴۰)

### ۲-۱ - سرانجام جامعه و سلطنت

هانتر، یکی از مأموران انگلیسی در بنگال، درباره وضعیت مسلمانان هند در سال ۱۸۷۱ می‌نویسد: آنان قومی هستند که در حکومت بریتانیایی‌ها از هر نظر صدمه دیده‌اند. (هاردی، ۱۳۶۹: ۵۷) در ایالت‌های شمال غربی مرکب از سرزمین‌هایی که نواب اوده در سال ۱۸۰۱ واگذار کرده بود و سرزمین‌هایی که در نتیجه شکست ماراتاها به دست دولت انگلیسی هند افتاده بود، مسلمانان اکثریت عظیم صاحب‌منصبان فرودست و زیردست را در خدمات قضایی تشکیل می‌دادند. در سال ۱۸۵۷ آنان ۷۲ درصد مقام‌های قضایی را تا حد منصب سردار امین (قاضی دعاوی کوچک) و از جمله تمامی مناصب بخش‌های دیگر را به هندوها اختصاص دادند.

زمین‌دار مسلمانی که در ایالت‌های شمالی زیر سؤال و جواب مأموران اداری قرار داشت و در بنگال از مقام خود معزول شده بود، می‌دانست که اکنون در جامعه‌ای بسته، زندگی مشقت‌باری را می‌گذراند و دیگر شانس و اقبال او برای رسیدن به مقام فرخ‌آباد (مقامی سلطنتی) به سر آمده است. خلاصه آن که استقرار حکومت بریتانیایی هند به طرق مختلف بر طبقات مختلف جامعه مسلمانان تأثیر گذارد. این حکومت نه تنها محل درآمد گروهی از اقلیت را ویران ساخت، بلکه روش زندگی آنها را بر هم زد. (همان، ۶۴)



در مورد سرانجام سلطنت مغولان مسلمان هند باید گفت: هنگام تسخیر دهلی به دست لرد لیک، شاه عالم و خدمتگزاران کمپانی هند شرقی به دام سیاسی کشنده و چند وجهی افتادند. لرد ولزلی (۱۷۶۰-۱۸۴۲) نزد شاه عالم از لرد لیک چنین تمجید کرد که او سعادت‌مند است که وسیله بازگشت اعلیحضرت را به حکومتی بزرگ و برخوردار از آرامش تحت توجهات حکومت سلطنتی بریتانیا فراهم آورده است. و شاه عالم با اعطای مقام سپهسالاری فرمانده کلّ به لرد لیک، او را پاسخ گفت و زمانی که لرد لیک، خزانه‌ی شاه عالم را به جنگ آورد، شاه عالم آن را به رسم پیشکش به سپاه لرد لیک هدیه کرد. بریتانیایی‌ها، بر پایه نظرات خود، شاه عالم را حقوق بگیر ملکه انگلیس دانسته، یک میلیون و یکصد و پنجاه هزار روپیه مقرر برای او تعیین کرده بودند.

در زمان اکبر دوم، پسر و جانشین شاه عالم (۳۷-۱۸۰۶) بریتانیایی‌ها، حق تعیین جانشین را برای او به رسمیت شناختند و لرد هیس تینگر (۱۷۵۴-۱۸۲۶) در زمان فرماندهی کلّ خود بر هند از ایستادن در حضور اکبر سر باز زد و آنان با این دو عمل تز مستمری‌گیری خود را استوار داشتند. (হারدی، ۱۳۶۹: ۵۸)

انگلیسی‌ها در دهه چهل قرن نوزدهم میلادی آن احتراماتی را که پیش از آن نسبت به هر پادشاه نشان داده بودند، رفته رفته فروگزاردند. در سال ۱۸۴۴ لرد الن بورو (۱۷۹۰-۱۸۷۱) رسم تقدیم نذر (هدیه از کهتر به مهتر) را از میان برداشت. سرانجام در سال ۱۸۵۱، بهادر شاه به جای نذر خود مبلغ ۸۳۳ روپیه در ماه مستمری دریافت داشت.

در سال ۱۸۴۹ دالهوسی فرمانده انگلیسی (۶۰-۱۸۱۲) موافقت کرد که میرزا فخرالدین را وارث مسلم تاج و تخت بشناسد مشروط بر آن که خانواده سلطنتی پس از مرگ بهادرشاه از قلعه سرخ دهلی، که دالهوسی قصد داشت به جای انبار باروت از آن استفاده کند، کوچ کنند. در هر حال در سال ۱۸۵۶ هردوکانینگ، حکمران کلّ جدید، تنها میرزا محمد گُلاش را امیر خاندان تیموری شناخت؛ یعنی به سمت رییس خانواده و نه پادشاه. که پس از تصرف دوباره دهلی به دست بریتانیایی‌ها، در سپتامبر ۱۸۵۷، اگر هم خاندان مغولان دهلی با مرگ و تبعید از بین نرفت، ولی روزگار خود را به صورت اشراف‌زادگان از کارمانده‌ای به سر آورد که از "راه لطف و مرحمت" در نزدیکی قطب مینار سکونت یافته بودند. (همان: ۵۹)

در دوران حکومت مسلمانان بر هند، فارسی زبان رسمی هند بود. کلیه تحصیل‌کرده‌های هندی اعم از مسلمان و هندو فارسی می‌دانستند و حتی انگلیسی‌ها هم در ابتدا رسمیت آن را پذیرفته و مکاتباتشان را به فارسی انجام می‌دادند. این وضع ادامه داشت تا اینکه یکی از مقامات انگلیس به نام ماکولی برای اولین بار در یادداشت مشهوری که بر وضع فرهنگ هند نوشته بود، پیشنهاد تغییر زبان فارسی به انگلیسی را مطرح کرد.

لذا در سال ۱۸۳۵ در هند اعلام شد که از این پس در دبیرستان‌ها انگلیسی تدریس شده و زبان فارسی به عنوان زبان رسمی جای خود را به انگلیسی خواهد داد و به دنبال این اعلام استفاده از زبان فارسی در دوایر دولتی تجارتخانه‌ها و دادگاه‌ها ممنوع شده و کلیه کتب قانون از عربی و فارسی به انگلیسی ترجمه شد.

به نظر مسلمانان تغییر زبان توطئه‌ای بود که جهت از بین بردن فرهنگ و دین آنان طراحی شده بود. آنها این تغییر را نپذیرفته و دست به مبارزه منفی زدند و خود را از مراکز فرهنگی کنار کشیدند. (هادی نجف‌آبادی، ۱۳۶۳: ۵) مثلاً در بنگال حکمرانان انگلیسی به مسلمانان علاقه و توجهی نشان نمی‌دادند، زیرا آنها را بازماندگان دستگاه حاکم سابق می‌شمردند و بیمناک بودند که موجب مزاحمت و دردسر برای آنان شوند. بدین قرار هندوهای بنگالی در آغاز کار تقریباً تمام امور کارمندی ادارات و خدمات دولتی انگلیس در هند را منحصر به خویش ساختند و اغلب از طرف حکومت به نواحی دیگر و ایالات شمالی هند فرستاده می‌شدند. (نهر، ۱۳۶۱: ۵۲۵)

وقتی که انگلیسی‌ها در بنگال قدرت گرفتند، در این ناحیه زمین‌های معافی (زمین‌هایی که از پرداخت مالیات معاف بودند) وسیعی وجود داشت. بسیاری از آنها املاک شخصی بودند که اغلب درآمدشان به صورت موقوفات برای مؤسسات آموزشی اختصاص می‌یافت و تعداد زیادی از مدارس قدیمی به سبک قدیم و بعضی از مؤسسات آموزشی عالی‌تر که مخصوصاً در آنها زبان فارسی تدریس می‌شد، از طریق اعانه معافی‌ها کمک دریافت می‌کرد و با این پول‌ها اداره می‌شد.

کمپانی هند شرقی در پی آن بود که هرچه زودتر سود بیشتری به سهامدارانش که در انگلستان بودند، بپردازد. مدیران و رؤسای کمپانی به طور مداوم برای این منظور فشار می‌آوردند. به این جهت تعمداً سیاست ضبط و تصرف اراضی "معافی" اتخاذ گردید. از اداره‌کنندگان این اراضی معافی، به شکل جدی‌تری خواسته می‌شد که معاف بودن و موقعیت خود را به ثبوت برسانند. اما اسناد و اوراق قدیمی، یا مفقود شده بود یا موربانه و حشرات آنها را نابود کرده بودند، به این جهت اراضی معافی تصرف و ضبط می‌شد و متصدیان آنها بیرون رانده می‌شدند، و از سوی دیگر مدراس و آموزشگاه‌هایی که از این منابع استفاده می‌کردند، منابع مالی خود را از دست می‌دادند.

نواحی وسیعی مشمول این تغییر وضعیت گردیدند و خانواده‌های بسیاری ورشکست و نابود شدند و مؤسسات آموزشی که با درآمد این معافی‌ها اداره می‌شدند، تعطیل گردیدند. مخصوصاً مسلمانان بیشتر تحت تأثیر این جریان قرار می‌گرفتند. (همان: ۵۲۸)

تسلط انگلیس بر هند برای مسلمانان از دست دادن همه چیز بود، زیرا آنان با این که یک پنجم جمعیت هند را تشکیل می‌دادند و چند قرن حکومت هند را در دست داشته و از نفوذ فرهنگی فوق‌العاده‌ای برخوردار بودند؛ دولت

انگلیس همواره آنان را دشمن شماره یک خویش تصور کرده و هر نوع مقاومت، شورش و خرابکاری را از طرف آنان می‌دانست.

نویسنده معروف انگلیس ویلیام هانت در سال ۱۸۷۱ م. در کتاب مسلمانان هندی می‌نویسد: مسلمانان هند در گذشته و حال منبع خطر برای حکومت انگلیس در هند بوده و هستند. (هادی نجف‌آبادی، ۱۳۶۳: ۳)

### ۱-۳- تبلیغ مسیحیت

پالمرستون (Palmerston) (۱۷۸۴-۱۸۶۵) نخست‌وزیر وقت انگلیس، به کانینگ (فرماندار انگلیسی هند) نوشت که تمام ساختمانهای غیرنظامی مربوط به سنن دینی پیروان محمد [صلی‌الله‌علیه‌وسلم] (اشاره غیر مستقیم به مساجد) بدون توجه به قدمت باستانی و حرمت و بزرگداشت دیرینه و بدون رعایت ارزش هنری آنها باید با خاک یکسان شود. ورنون اسمیت رئیس هیأت نظارت به کانینگ گزارش داد که: تایمز فریاد دین‌خواهی سر داده است... و حتی به تحمیل مسیحیت بر مسلمانان هم قانع نیست مگر آنکه مسلمانان به مرام پیامبر اسلام [صلی‌الله‌علیه‌وسلم] ناسزا بگویند و صلیب مسیحیت علم کنند. (هاردی، ۱۳۶۹: ۱۰۳)

"اف واردن" در یادداشت‌های خود می‌نویسد: من مخفیانه کشیش‌ها را تشویق به ترویج مسیحیت می‌کنم، اگرچه با حاکم در بی‌طرفی در مسائل مذهبی موافقم، ولی تا وقتی مردم هند از مسیحیت انتقاد نکنند، برای آنان آموزش مسیحیت بدون شک مفید است. اگر از آموزش در میان آنان این تغییر اندیشه پدید نیامد که آنها مذهب خود را باطل پندارند، باز هم افراد با ایمان و رعایای سخت‌کوشی خواهند شد.

پس از این اظهارات بود که کارمندان کمپانی هند شرقی تبلیغات گسترده‌ای را برای مسیحی کردن مسلمانان و هندوها آغاز کردند. به نوشته "گرانته" مهمترین آموزش انگلیسی‌ها به هندوها تعلیم مذهب مسیح که در رساله‌های متعدد و به زبان ساده تدوین و در انجیل مقدس وجود داشت، می‌باشد. وی می‌نویسد: علاج تمام بدی‌ها در هند دین است که نور علم ما بخصوص اصول مذهب ربانی به آنها ارائه شود.

در پی این تصمیم حکومت انگلیس مبلغین بیشتری به بنگال اعزام کرد و کمک‌های مالی‌اش را به مبلغین افزایش داد. اینان موظف گردیدند که مذهب پروتستان را در بین مردم و دانش‌آموزان ترویج و تبلیغ کنند. بر اساس برنامه مستر سوارنتر کمک‌های مستقلی به صورت سالیانه نیز پرداخت می‌شد.

در همین زمینه سیداحمدخان می‌نویسد: در وجود دخالت در امور مذهبی تردیدی نیست و همه مردم اعم از بی‌سواد و باسواد و ادنی و ادنی می‌دانند که اراده قلبی حکومت‌ها دخالت در مذهب و فرهنگ است تا همه، چه هندو و چه مسلمان، مسیحی شوند و فرهنگ کشور آنها را بپذیرند و بزرگترین علت بغاوت همین است. (میان، ۲۰۰۶: ۴۶)

کشیش "آی ایدمند" در سال ۱۸۵۵م. به عموم کارمندان اعلام کرد: اکنون که در هندوستان یک حاکمیت وجود دارد و بوسیله تلگراف اخبار همه مناطق به هم متصل و با راه‌آهن روش رفت و آمدها یکی شده است، باید مذهب هم یکی شود و همه مسیحیت را بپذیرند.

نیز "مینگل" نماینده مجلس عوام سخنانی بیان کرد که باعث برانگیختن احساسات ضدانگلیسی در میان مسلمانان هند شد. او گفته بود: خداوند به ما این قدرت را نشان داد که سلطنت هندوستان تحت سلطه انگلستان درآمد تا پرچم پیروزی عیسی مسیح در سراسر هندوستان به اهتزاز درآید؛ پس. هر فرد هر چه بیشتر نیروی خود را در مسیحی نمودن هندوستان به کار برد و در این امر تساهل نرزد. (همان: ۵۱)

تبلیغ مسیحیت به طور جدی پیگیری می‌شد به گونه‌ای که کشیشان مسیحی پایین پله‌های مسجد جامع دهلی می‌ایستادند و مسلمانان را به مناظره دعوت می‌کردند و اگر کسی سر راه مبشرین مسیحی مانع ایجاد می‌کرد سزا می‌دید و به پلیس دستور داده شده بود که با مبلغین مسیحیت همکاری نماید. (ادروی، ۲۰۰۱: ۵۰)

می‌گویند: "فندر" اسقف بزرگ مسیحیان بود که بر پله‌های مسجد جامع شاه‌جهان می‌ایستاد و از اسلام انتقاد می‌کرد و علمای مسلمان را به مبارزه می‌طلبید. روزی مولانا "رحمت‌الله کرانوی" کفن پوشید و به میدان مناظره آمد و اعلام کرد: من از اسقف بزرگ هندوستان که برگزیده دانشمندان مسیحی و مؤلف کتاب "میزان الحق" است تقاضا می‌کنم در ملاً عام با من مناظره کند تا حق روشن گردد و مشخص شود که علمای مسلمان نه به سبب ناتوانی، بلکه به علت عدم توجه، به رسایل وی پاسخ نداده‌اند. (همان: ۵۶)

در پی این اعلام، مناظره‌ای برگزار شد و قریب به هزار نفر از عام و خاص گرد آمدند و مقامات عالی‌رتبه حکومت کمپانی هند شرقی از جمله "اسمیت" حاکم منطقه، "کریستین سکند" مسئول آموزش، "مستر ویلیام" فرمانده ارتش، "لیدلی" سخنگوی دولت و کشیش "ویلیام گلبن" در کتبه عبدال‌مسیح اکبرآباد حضور یافتند. موضوع مناظره پنج موضوع مورد اختلاف مسیحیان و مسلمانان یعنی: تحریف انجیل، نسخ انجیل، عقیده تثلیث، حقیقت قرآن و نبوت محمدی تعیین شد. در اولین مورد مناظره که موضوع آن تحریف انجیل بود، اسقف "فندر" تحریف انجیل را پذیرفت و این مناظره ایمان هزاران نفر را نجات داد. (ادروی، ۲۰۰۱: ۵۳)